

Islamic Knowledge and Insight

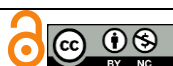
The Concept of Freedom in the Islamic Revolution of Iran: Alignment with Islamic Law and Values

1. Ahmad Amiri: PhD Student, Department of Philosophy of Art, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
 2. Hossein Yazdi*: Assistant Professor, Department of Philosophy, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Email: h_yazdi@iau-tnb.ac.ir)
 3. Hengameh Ashoori: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract

The Islamic Revolution of Iran, as one of the most significant political and social events of the 20th century, brought about profound transformations in key concepts, including freedom. This revolution, emphasizing religious teachings and Islamic values, reinterpreted concepts such as freedom, which had previously been defined within Western modern discourses. The primary objective of this study is to explore how freedom is defined within the framework of the Islamic Revolution and its alignment with Islamic law and moral values. Specifically, this research analyzes the fundamental differences between the concept of freedom in the discourse of the Islamic Revolution and modern liberalist interpretations. This study employs a descriptive-analytical method, utilizing Islamic sources, statements by the revolution's leaders, and relevant theoretical texts to address the following question: "How is freedom defined within the discourse of the Islamic Revolution, and how does it align with Islamic law and values?" The findings reveal that, within this discourse, freedom is not merely understood as liberation from external constraints but is also defined as servitude to God, social responsibility, and adherence to moral and religious principles. Unlike liberalist notions that emphasize absolute individual autonomy, freedom in the discourse of the Islamic Revolution is intertwined with values such as justice, spirituality, and the public good. This study also examines the place of freedom within the Constitution of the Islamic Republic of Iran, which emphasizes balancing individual and social rights. For instance, freedom of thought and expression is recognized but must conform to Islamic principles. Ultimately, this article concludes that the discourse of the Islamic Revolution, by offering a model grounded in Islamic values, has introduced a novel and comprehensive concept of freedom that has played a significant role not only in strengthening religious identity but also in ensuring the stability of the social system.

Keywords: Freedom, Islamic Revolution, Islamic values, Islamic law, religious concept of freedom, individual and social rights



How to cite: Amiri, A., Yazdi, H., & Ashoori, H. (2024). The Concept of Freedom in the Islamic Revolution of Iran: Alignment with Islamic Law and Values. *Islamic Knowledge and Insight*, 2(2), 132-142.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 26 April 2024

Revise Date: 3 June 2024

Accept Date: 20 June 2024

Publish Date: 12 July 2024

معرفت و بصیرت اسلامی

مفهوم آزادی در انقلاب اسلامی ایران: تطابق با شرع و ارزش‌های اسلامی

۱. احمد امیری: دانشجوی دکتری، گروه فلسفه هنر، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
 ۲. حسین یزدی*: استادیار، گروه فلسفه، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (پست الکترونیک: h_yazdi@iau-tnb.ac.ir)
 ۳. هنگامه آشوری: استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

انقلاب اسلامی ایران، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین رویدادهای سیاسی و اجتماعی قرن بیستم، تحولی عمیق در مفاهیم کلیدی از جمله آزادی ایجاد کرد. این انقلاب، با تأکید بر آموزه‌های دینی و ارزش‌های اسلامی، توانست مفاهیمی همچون آزادی را که پیش‌تر در گفتمان‌های مدرن غربی تعریف شده بودند، بازخوانی کند. مسئله اصلی این پژوهش بررسی چگونگی تعریف آزادی در چارچوب انقلاب اسلامی و تطبیق آن با قوانین شرع و ارزش‌های اخلاقی است. به ویژه، پژوهش حاضر به تحلیل تفاوت‌های اساسی میان مفهوم آزادی در گفتمان انقلاب اسلامی و برداشت‌های لیبرالیستی مدرن می‌پردازد. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع اسلامی، بیانات رهبران انقلاب، و متون نظری مرتبط، تلاش دارد به این پرسش پاسخ دهد: «آزادی در گفتمان انقلاب اسلامی چگونه تعریف شده و چه سازگاری با احکام شرع و ارزش‌های اسلامی دارد؟» یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که آزادی در این گفتمان، تنها به معنای رهایی از محدودیت‌های بیرونی نیست، بلکه به معنای عبودیت، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، و رعایت اصول اخلاقی و دینی است. برخلاف مفاهیم لیبرالیستی که بر استقلال مطلق فرد تأکید دارند، آزادی در گفتمان انقلاب اسلامی با ارزش‌هایی همچون عدالت، معنویت و خیر عمومی گره خورده است. این پژوهش همچنین به بررسی جایگاه آزادی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد که بر رعایت توازن میان حقوق فردی و اجتماعی تأکید دارد. به عنوان نمونه، آزادی اندیشه و بیان به رسمیت شناخته شده، اما این حقوق باید با مبانی اسلامی سازگار باشد. در نهایت، این مقاله نتیجه می‌گیرد که گفتمان انقلاب اسلامی با ارائه الگویی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی، توانسته است مفهومی نوین و جامع از آزادی ارائه کند که نه تنها در تقویت هویت دینی، بلکه در پایداری نظام اجتماعی نیز نقش مؤثری ایفا کرده است.

کلیدواژه‌ها: آزادی، انقلاب اسلامی، ارزش‌های اسلامی، قوانین شرع، مفهوم دینی آزادی، حقوق فردی و اجتماعی.

شیوه استناددهی: امیری، احمد، یزدی، حسین، و آشوری، هنگامه. (۱۴۰۳). مفهوم آزادی در انقلاب اسلامی ایران: تطابق با شرع و ارزش‌های اسلامی. *معرفت و بصیرت اسلامی*، ۲(۲)، ۱۳۲-۱۴۲.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۷ اردیبهشت ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۴ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۳۱ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۲۲ تیر ۱۴۰۳

مقدمه

آزادی، به عنوان یکی از اصول بنیادین در اندیشه بشری و سیاسی، نقشی حیاتی در توسعه نظام‌های اجتماعی و حکومتی ایفا کرده است. این مفهوم، همواره در کانون توجه اندیشمندان و سیاست‌مداران قرار داشته و دیدگاه‌های متنوعی پیرامون آن شکل گرفته است. در نظام‌های لیبرال غربی، آزادی بر مبنای استقلال فردی، حقوق بشر، و مقابله با محدودیت‌های حکومتی و دینی تعریف شده است. این دیدگاه بر محوریت فرد و حقوق مطلق او تأکید دارد و تلاش می‌کند تا حداکثر استقلال فردی را در برابر هرگونه قید و محدودیتی تضمین کند. در مقابل، اندیشه اسلامی با ارائه الگویی الهی و اخلاقی، مفهوم آزادی را در چارچوب مسئولیت‌پذیری و ارزش‌های دینی تبیین کرده است. به اعتقاد مطهری، «آزادی از قید و اسارت خودش در مقابل آزادی اجتماعی، آزادی معنوی است. آزادی معنوی در زبان دین همان تقوا است» (Motahhari, 1994).

در این میان، انقلاب اسلامی ایران یکی از برجسته‌ترین نقاط عطفی است که توانست مفاهیم مدرن را بازخوانی کند. این انقلاب، با تأکید بر اسلام به عنوان چارچوبی جامع برای مفاهیم اجتماعی و سیاسی، آزادی را در قالبی جدید تعریف نمود. برخلاف نگرش‌های لیبرالیستی، آزادی در گفتمان انقلاب اسلامی بر پایه قوانین شرع و ارزش‌های اسلامی استوار شد. این بازخوانی، زمینه‌ساز پرسشی بنیادین شده است؛ چگونه انقلاب اسلامی مفهوم آزادی را در چارچوب قوانین شرع تعریف کرده است؟ به گفته مطهری: «اگر بنا باشد حکومت اسلامی زمینه اختناق را به وجود آورد، قطعاً شکست خواهد خورد. البته آزادی به غیر از هرج و مرج است. منظور ما، آزادی به معنای معقول آن است» (Motahhari, 1994).

مسئله اصلی پژوهش حاضر، بررسی این موضوع است که آزادی در گفتمان انقلاب اسلامی چگونه تعریف شده و چه تفاوتی با برداشت‌های لیبرالیستی مدرن دارد. این پژوهش به دنبال آن است که نشان دهد آیا آزادی، همان‌طور که در غرب تفسیر می‌شود، می‌تواند در چارچوب ارزش‌های اسلامی نیز قابل تبیین باشد؟ برای پاسخ به

این پرسش‌ها، پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی بهره برده و با استناد به منابع اسلامی و نظریات رهبران انقلاب اسلامی تلاش دارد تا مفهوم آزادی را بازتعریف کند. این بازتعریف نه تنها درک عمیق‌تری از این مفهوم ارائه می‌دهد، بلکه امکان تطبیق آن با شرایط معاصر را نیز بررسی می‌کند.

اهداف این پژوهش شامل تحلیل مفهوم آزادی در گفتمان انقلاب اسلامی و تطبیق آن با قوانین شرع، بررسی جایگاه آزادی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مقایسه تطبیقی آن با مفاهیم آزادی در نظام‌های غربی و اسلامی است. همچنین، بررسی نقش رهبران انقلاب اسلامی در تبیین این مفهوم و تأثیر آن بر سیاست‌گذاری‌های کلان جامعه ایرانی از دیگر اهداف این تحقیق است. علاوه بر این، ضرورت این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که تاکنون پژوهش‌های اندکی توانسته‌اند به‌طور جامع به این مسئله پردازند و آزادی را در چارچوبی اسلامی و بومی بازتعریف کنند. همان‌طور که مطهری تأکید می‌کند: «آزادی امری حیاتی و مقدم بر همه چیز بوده و نمی‌توان آن را به بهانه‌های واهی‌ای چون حساس بودن وضعیت و مضر بودن به وحدت ملی محدود کرد» (Motahhari, 1994).

این پژوهش، علاوه بر بررسی تطبیقی مفهوم آزادی در نظام‌های غربی و اسلامی، تلاش می‌کند تا نشان دهد چگونه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آزادی را به عنوان حقی اجتماعی و فردی، در چارچوبی متعادل تعریف کرده است. برای مثال، اصل بیست‌وسوم قانون اساسی بر آزادی اندیشه تأکید می‌کند، اما این آزادی نباید با مبانی اسلامی در تعارض باشد. همچنین، اصل بیست‌وچهارم آزادی مطبوعات را به رسمیت می‌شناسد، مشروط بر اینکه محتوای آن‌ها مخالف مبانی اسلام نباشد. این اصول، نشان‌دهنده تلاش نظام جمهوری اسلامی برای حفظ توازن میان حقوق فردی و اجتماعی و رعایت اصول شریعت است.

در نهایت، پژوهش حاضر به دنبال ارائه الگویی منحصربه‌فرد برای فهم آزادی در چارچوب اسلامی است؛ الگویی که بتواند به عنوان یک مدل بومی برای دیگر جوامع اسلامی نیز مورد استفاده قرار گیرد.

این پژوهش با تأکید بر اصول عدالت، اخلاق و معنویت، در تلاش است تا نشان دهد چگونه آزادی می‌تواند به ابزاری برای تحقق وحدت اجتماعی و توسعه انسانی تبدیل شود. در این راستا، بیانات رهبران انقلاب، اصول قانون اساسی و تحلیل مفاهیم اسلامی به عنوان منابع اصلی تحقیق مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام شده و از روش کتابخانه‌ای برای گردآوری داده‌ها بهره گرفته است. هدف این تحقیق، تحلیل مفهوم آزادی در گفتمان انقلاب اسلامی ایران و تطابق آن با شرع و ارزش‌های اسلامی است. در این پژوهش، سعی شده است تا از طریق بررسی منابع اسلامی، متون نظری، بیانات رهبران انقلاب و اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تعریف جامعی از مفهوم آزادی ارائه شود.

در این تحقیق، ابتدا مفاهیم بنیادین آزادی در اندیشه اسلامی و غربی مورد بررسی قرار گرفته و تفاوت‌های آن‌ها تحلیل شده است. سپس با تأکید بر گفتمان انقلاب اسلامی، نحوه بازتعریف آزادی در چارچوب قوانین شرع و ارزش‌های اسلامی بررسی شده است. برای این منظور، از بیانات امام خمینی و دیگر رهبران انقلاب، به عنوان منابع اصلی تحلیل، بهره گرفته شده است.

روش تحلیل پژوهش مبتنی بر تفسیری - هرمنوتیکی است که تلاش می‌کند تا مفاهیم کلیدی آزادی در متن‌های اسلامی و انقلاب اسلامی را شناسایی و با چارچوب‌های نظری مقایسه کند. همچنین برای تحلیل گفتمان آزادی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از اصول مرتبط با آزادی، نظیر اصول بیست‌وسوم و بیست‌وچهارم، استفاده شده است.

در نهایت، نتایج این پژوهش با توجه به داده‌های به دست آمده، جمع‌بندی شده و تلاش شده است تا دیدگاهی جامع و کاربردی درباره آزادی در گفتمان انقلاب اسلامی ارائه شود. این رویکرد نه تنها به تحلیل تطبیقی آزادی اسلامی و لیبرالیستی می‌پردازد، بلکه با

تأکید بر عدالت اجتماعی، معنویت و مسئولیت‌پذیری، چارچوبی برای درک بهتر از مفهوم آزادی در نظام اسلامی ارائه می‌دهد.

پیشینه تاریخی آزادی در ایران

آزادی به عنوان یکی از مهم‌ترین ارزش‌های انسانی و اجتماعی، همواره جایگاه ویژه‌ای در تاریخ ایران داشته و تحولات سیاسی و اجتماعی این سرزمین به شکل‌گیری و بازتعریف این مفهوم کمک کرده است. در دوران مشروطه، آزادی در کانون توجه اندیشمندان و سیاست‌مداران قرار گرفت و عمدتاً در چارچوب مباحث سیاسی و اجتماعی مطرح شد. هدف اصلی در این دوره، ایجاد حکومتی مبتنی بر قانون، محدود کردن استبداد شاهان، و ارتقای حقوق فردی و اجتماعی بود. این تلاش‌ها نشان‌دهنده عزم جامعه برای رهایی از سلطه استبدادی و دستیابی به مدرنیت بود. آزادی در این دوره، برخلاف نگاه‌های سنتی، به معنای حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش و تأکید بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی تعریف شد.

در دوران مشروطه، مفهوم آزادی بیشتر متأثر از گفتمان‌های مدرن غربی بود. این تأثیرات، آزادی را به عنوان حق ذاتی فردی در برابر قدرت استبدادی تعریف می‌کرد و تأکید بر حقوق فردی مانند آزادی بیان، آزادی مطبوعات و حق انتخاب داشت. اما این برداشت به دلیل عدم بومی‌سازی و انطباق با ساختارهای فرهنگی ایران، نتوانست به طور کامل در جامعه نهادینه شود و از چالش‌های متعددی رنج می‌برد.

در مقابل، دوران انقلاب اسلامی ایران با بازتعریفی از مفهوم آزادی همراه بود که بر پایه اصول دینی و ارزش‌های اخلاقی شکل گرفت. رهبران انقلاب، به ویژه امام خمینی، تأکید داشتند که آزادی در چارچوب شریعت و ارزش‌های اسلامی معنا پیدا می‌کند و آزادی بدون رعایت این اصول می‌تواند منجر به بی‌نظمی شود. این دیدگاه نشان‌دهنده تلاش انقلاب اسلامی برای ارائه مفهومی بومی از آزادی بود که هم با ارزش‌های دینی سازگار باشد و هم به نیازهای اجتماعی پاسخ دهد. یکی از جنبه‌های برجسته در تعریف اسلامی آزادی، تأکید بر مسئولیت اجتماعی و اخلاقی است. آزادی در گفتمان

انقلاب اسلامی، ابزاری برای تقویت همبستگی اجتماعی و تحقق عدالت اجتماعی است. برخلاف دیدگاه‌های لیبرالیستی که تأکید زیادی بر حقوق فردی دارند، آزادی در این گفتمان، وسیله‌ای برای رشد معنوی و اجتماعی تعریف می‌شود.

تأثیرات فرهنگی و سیاسی بر بازتعریف مفهوم آزادی در دوران انقلاب اسلامی نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. این بازتعریف نه تنها از آموزه‌های دینی الهام گرفته است، بلکه واکنشی به سلطه‌طلبی‌های استعمارگرانه و تحمیل ارزش‌های غربی بر جامعه ایران بوده است. انقلاب اسلامی، با تأکید بر خودکفایی فرهنگی، تلاش کرد تا مفهومی بومی از آزادی ارائه دهد که از حقوق فردی حمایت کند و در عین حال، مسئولیت‌های اجتماعی را نیز دربرگیرد. مطهری در این زمینه بیان می‌کند: «در حکومت اسلامی، آزادی به معنای رهایی از هرگونه ظلم و ستم است. اسلام نه تنها آزادی فردی، بلکه آزادی اجتماعی را نیز به رسمیت می‌شناسد» (Motahhari, 1994).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به عنوان سندی محوری، تلاش کرده است تا تعریفی جامع و متوازن از آزادی ارائه دهد. برای نمونه، اصل بیست و سوم قانون اساسی، آزادی اندیشه را تضمین کرده است، اما شرط آن را عدم تضاد با مبانی اسلامی می‌داند. این اصول نشان‌دهنده تلاش نظام برای حفظ تعادل میان حقوق فردی و اجتماعی است. به گفته مطهری: «آزادی بیان و اندیشه نباید با اصول اسلامی و حرمت‌های دینی در تضاد باشد. تفاوت در تعریف آزادی میان دو دوره تاریخی مشروطه و انقلاب اسلامی، نشان‌دهنده اهمیت زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی در شکل‌گیری مفاهیم سیاسی است. در حالی که دوران مشروطه بیشتر بر حاکمیت قانون و حقوق فردی تأکید داشت، انقلاب اسلامی تلاش کرد تا مفاهیم نوین را با آموزه‌های اسلامی تلفیق کند. این تلفیق، الگویی منحصر به فرد از آزادی را ارائه داد که بر تعامل حقوق فردی و مسئولیت‌های اجتماعی تأکید می‌کند. به طور کلی، آزادی در گفتمان انقلاب اسلامی، نه تنها حقوق فردی را به رسمیت می‌شناسد، بلکه بر مسئولیت‌های اجتماعی تأکید دارد و تلاش می‌کند تا تعادلی میان این دو ایجاد کند. این

تعریف از آزادی، برخلاف گفتمان‌های غربی، بر ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی تأکید دارد و آزادی را وسیله‌ای برای تحقق عدالت و رشد معنوی می‌داند. این نگاه جامع و چندبعدی، الگویی بومی و منحصر به فرد از آزادی ارائه می‌دهد که می‌تواند در تقویت هویت فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران مؤثر باشد.

آزادی در دیدگاه اسلام

آزادی به عنوان یکی از اصول کلیدی در تعلیم اسلامی، همواره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. برخلاف مفهوم لیبرالیستی آزادی که بر مبنای استقلال مطلق فرد و جدایی آن از ارزش‌های الهی تعریف می‌شود، اسلام آزادی را به عنوان نعمتی الهی معرفی می‌کند که در چارچوب قوانین شرع و مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی معنا پیدا می‌کند. «قرآن کریم، آزادی را به عنوان نعمتی الهی معرفی می‌کند که برای بهره‌مندی انسان از آن، شرط رعایت ارزش‌های الهی و حرکت در مسیر تقوا مطرح شده است. در این نگاه، آزادی تنها به معنای رفع محدودیت‌های بیرونی نیست، بلکه التزام به شریعت و ارزش‌های اخلاقی را نیز در بر می‌گیرد» (Tabatabai & Musavi Hamedani, 1998).

تعریف آزادی در قرآن و احادیث: در قرآن کریم، آزادی به عنوان راهی برای رهایی از بندهای طاغوتی و حرکت به سمت عبودیت خداوند تعریف شده است. آیه ۲۵۶ سوره بقره می‌فرماید: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» که نشان‌دهنده آزادی انتخاب در پذیرش دین است. این آیه تأکید می‌کند که ایمان باید بر اساس آگاهی و اراده فردی شکل گیرد، نه بر مبنای اجبار. همچنین در احادیث اسلامی، آزادی به عنوان حق طبیعی انسان معرفی شده است. پیامبر اکرم (ص) در حدیثی می‌فرماید: «إن الناس مسلطون على أموالهم وأنفسهم»؛ مردم بر اموال و جان‌های خود حاکمند. این حدیث نشان‌دهنده حق آزادی در تصمیم‌گیری‌های فردی است، اما این آزادی باید در چارچوب اخلاق اسلامی محدود شود.

تفاوت آزادی در اسلام با مفهوم لیبرالیستی: مفهوم آزادی در اسلام با مفهوم لیبرالیستی آن تفاوت‌های اساسی دارد. در دیدگاه

هم‌سو باشد، زیرا این هماهنگی، زمینه‌ساز حفظ عدالت و انسجام اجتماعی است.

آزادی در گفتمان انقلاب اسلامی

تحلیل بیانات امام خمینی و دیگر رهبران انقلاب درباره آزادی: آزادی در گفتمان انقلاب اسلامی، مفهومی است که در بیانات رهبران انقلاب، به‌ویژه امام خمینی، به‌عنوان یکی از اصول بنیادین نظام اسلامی معرفی شده است. امام خمینی در سخنان خود تأکید می‌کند که آزادی تنها زمانی معنا پیدا می‌کند که در انطباق با ارزش‌های اسلامی باشد. او معتقد است که آزادی بدون هدایت شریعت، به بی‌نظمی و فساد منجر خواهد شد. به گفته ایشان: «ما خواهان آزادی هستیم، اما آزادی‌ای که با اسلام سازگار باشد و به عدالت اجتماعی و معنویت کمک کند» (Khomeini, 1999). رهبران دیگر انقلاب نیز بر این نکته تأکید داشتند که آزادی نباید با اصول اسلامی و ارزش‌های دینی در تعارض باشد. آن‌ها معتقد بودند که آزادی، ابزاری برای تحقق عدالت اجتماعی، رشد معنوی و استقلال ملی است. این دیدگاه، برخلاف نگاه‌های لیبرالیستی، آزادی را وسیله‌ای برای تأمین خیر عمومی و رشد جامعه تعریف می‌کند.

مطهری نیز در این زمینه معتقد است که «آزادی در اسلام به معنای اختیار برای رسیدن به عبودیت است. او تأکید می‌کند که آزادی مطلق، زمینه‌ساز انحراف و فساد خواهد بود و بر این اساس، هرگونه آزادی باید در چارچوب احکام شریعت محدود شود» (Motahhari, 1994). این تأکید بر انطباق آزادی با شرع، نشان‌دهنده تلاش رهبران انقلاب برای تلفیق مفاهیم مدرن با ارزش‌های دینی و ارائه الگویی بومی از آزادی است.

جایگاه آزادی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آزادی را به‌عنوان یکی از اصول محوری نظام به رسمیت می‌شناسد. اصول مختلف قانون اساسی بر اهمیت آزادی تأکید دارند، اما این آزادی‌ها باید در چارچوب قوانین اسلامی قرار گیرند. «آزادی سیاسی مهم‌ترین و اساسی‌ترین حق مردم

لیبرالیستی، آزادی به‌معنای رهایی مطلق فرد از هر قید و محدودیت، از جمله ارزش‌های دینی و اخلاقی است. این نگرش، تأکید بیشتری بر حقوق فردی داشته و غالباً از مسئولیت‌های اجتماعی غفلت می‌کند. اما در اسلام، آزادی نه تنها به‌معنای رهایی از قیود بیرونی است، بلکه به‌معنای عبودیت و تسلیم در برابر خداوند نیز می‌باشد. صدرالدین شیرازی در بحث فلسفی خود «آزادی را به‌عنوان یک ظرفیت درونی برای رهایی از بندهای نفسانی و حرکت به سمت حقیقت معرفی می‌کند. او بر این باور است که انسان آزاد تنها زمانی به کمال می‌رسد که اختیار خود را در مسیر رضای خداوند قرار دهد» (Sadr al-Din Shirazi & Khajavi, 1989).

تأکید بر انطباق آزادی با قوانین الهی: اسلام بر این باور است که آزادی باید در چارچوب قوانین الهی تعریف و محدود شود. این انطباق به این دلیل است که آزادی مطلق می‌تواند منجر به فساد و انحراف شود. قرآن کریم در آیه ۲۳ سوره جاثیه می‌فرماید: «أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ؟» آیا کسی که هوای نفس خود را معبود خویش قرار داده است، می‌بینی؟ این آیه تأکید می‌کند که رهایی از قیود نفسانی و حرکت به سوی ارزش‌های الهی، پایه و اساس آزادی واقعی در اسلام است.

در نتیجه، اسلام آزادی را نه به‌عنوان مفهومی مطلق، بلکه در چارچوب مسئولیت‌پذیری و تعهد به ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی معنا می‌کند. در این دیدگاه، آزادی وسیله‌ای برای تحقق عدالت، رشد معنوی، و تعالی فردی و اجتماعی محسوب می‌شود. به‌ویژه، آزادی بیان و اندیشه در نظام اسلامی به این معنا است که هر فرد می‌تواند عقاید و افکار خود را بیان کند، به شرط آنکه این بیان با اصول اسلامی هم‌خوانی داشته باشد (مطهری، ۱۳۷۸: ۴۸). این رویکرد اسلامی کاملاً با دیدگاه لیبرالیستی تفاوت دارد که آزادی را به‌عنوان حق مطلق فرد در نظر می‌گیرد و اغلب از تأثیرات اجتماعی و اخلاقی آن غفلت می‌کند. گفتمان اسلامی تأکید دارد که آزادی تنها در صورتی معنا پیدا می‌کند که با ارزش‌های الهی و اجتماعی

در تعیین سرنوشت خود است. این آزادی‌ها شامل حق رأی و انتخاب حاکمان از سوی مردم است» (Motahhari, 1994). برای مثال:

- اصل بیست‌وسوم تأکید می‌کند: تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد. این اصل نشان‌دهنده احترام به آزادی اندیشه و عقیده است.

- اصل بیست‌وچهارم بیان می‌کند: نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه محل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. این اصل، آزادی مطبوعات را مشروط به رعایت ارزش‌های اسلامی تضمین می‌کند.

این اصول، نشان‌دهنده تلاش نظام جمهوری اسلامی ایران برای حفظ توازن میان آزادی‌های فردی و اجتماعی و رعایت مبانی شریعت است. همان‌طور که مطهری تأکید می‌کند: «دولت اسلامی باید همواره حافظ آزادی باشد. آزادی به معنای واقعی و در چارچوب قوانین اسلامی، یکی از اهداف اصلی تشکیل حکومت اسلامی است» (Motahhari, 1994).

مقایسه آزادی فردی و اجتماعی با اصول شریعت: در گفتمان انقلاب اسلامی، آزادی فردی و اجتماعی، هر دو از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند، اما باید با اصول شریعت سازگار باشند. آزادی فردی به معنای اختیار در تصمیم‌گیری و بیان عقاید است، اما این اختیار نباید به معنای تجاوز به حقوق دیگران یا تضعیف ارزش‌های دینی باشد. آزادی اجتماعی نیز بر مبنای عدالت و رعایت حقوق عمومی تعریف شده است. فارابی در تحلیل خود از آزادی، این مفهوم را در «پیوند با عدالت و فضیلت مورد توجه قرار می‌دهد. او معتقد است که آزادی فردی تنها زمانی مشروع است که در خدمت منافع عمومی و تحقق خیر جمعی باشد» (فارابی، ۱۳۷۲: ۱۲۸).

این دیدگاه، برخلاف نگرش لیبرالیستی که بر اولویت مطلق حقوق فردی تأکید دارد، به تعامل میان حقوق فردی و اجتماعی توجه ویژه‌ای دارد. در گفتمان انقلاب اسلامی، آزادی تنها به معنای رهایی از محدودیت‌های بیرونی نیست، بلکه ابزاری برای تقویت همبستگی

اجتماعی و تحقق عدالت در جامعه به شمار می‌آید. این مفهوم از ارزش‌های دینی و اصول شریعت سرچشمه می‌گیرد و هم‌زمان حقوق فردی را به رسمیت می‌شناسد و بر مسئولیت‌های اجتماعی تأکید دارد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با الهام از این دیدگاه، تلاش کرده است تا الگویی متوازن از آزادی ارائه دهد که هم با اصول شریعت و هم با نیازهای اجتماعی و فرهنگی جامعه سازگار باشد. به‌عنوان نمونه، آزادی اندیشه و بیان در این قانون به رسمیت شناخته شده است، اما اعمال آن باید با ارزش‌ها و مبانی اسلامی هماهنگ باشد.

«انقلاب اسلامی ایران، به دلیل تأکید بر اسلام به‌عنوان پایه‌ای برای تمامی مفاهیم اجتماعی و سیاسی، آزادی را نیز در چارچوب احکام شرع تعریف کرد. آزادی فردی و اجتماعی در این نظام به معنای بهره‌گیری از حقوق مشروع بدون تجاوز به ارزش‌های اسلامی است» (جهانبگلو، ۱۳۸۳: ۹۴). این تعریف اسلامی از آزادی، تلاشی برای ایجاد تعادل میان حقوق فردی و مسئولیت‌های اجتماعی است و به‌ویژه بر نقش عدالت و معنویت در جامعه تأکید دارد. گفتمان انقلاب اسلامی از این طریق توانسته است الگویی نوین ارائه دهد که برخلاف دیدگاه‌های لیبرالیستی، هم ارزش‌های دینی و هم نیازهای اجتماعی را به‌طور هم‌زمان در نظر می‌گیرد.

تحلیل انتقادی آزادی در گفتمان اسلامی

یکی از ابعاد قابل توجه در بحث از آزادی در گفتمان اسلامی، مواجهه با دیدگاه‌های انتقادی است که محدودیت‌های اعمال‌شده بر آزادی در چارچوب شرع را به چالش می‌کشند. این دیدگاه‌ها اغلب معتقدند که محدودیت‌های مبتنی بر شرع، تضادهایی با اصول جهانی حقوق بشر و ارزش‌های مدرن ایجاد می‌کنند. به همین دلیل، تحلیل انتقادی این دیدگاه‌ها و پاسخ به پرسش‌های مطرح‌شده درباره‌ی تطبیق یا تعارض گفتمان اسلامی با مفاهیم مدرن آزادی، از اهمیت بالایی برخوردار است.

محدودیت‌های آزادی در چارچوب شرع

یکی از انتقادات رایج به گفتمان اسلامی این است که محدودیت‌هایی که بر آزادی‌های فردی و اجتماعی اعمال می‌شود، مانعی بر سر راه تحقق آزادی‌های کامل انسانی است. منتقدان بر این باورند که آزادی‌های اسلامی، به دلیل تعریف آن‌ها در چارچوب ارزش‌های الهی و شرعی، نمی‌تواند با اصول مدرن حقوق بشر سازگار باشد. به‌ویژه، محدودیت‌هایی که بر آزادی بیان، آزادی اندیشه، و آزادی‌های اجتماعی اعمال می‌شود، از جمله مباحثی است که منتقدان اغلب به آن اشاره می‌کنند.

برای مثال، در گفتمان اسلامی، آزادی بیان به‌صورت مطلق پذیرفته نمی‌شود و باید با اصول و ارزش‌های اسلامی همخوانی داشته باشد. منتقدان این محدودیت‌ها را به‌عنوان مانعی برای ایجاد فضای باز فکری و اجتماعی تلقی می‌کنند. به اعتقاد آن‌ها، این محدودیت‌ها می‌تواند به سرکوب دیدگاه‌های مخالف و جلوگیری از نقد سازنده منجر شود. در پاسخ، مدافعان گفتمان اسلامی معتقدند که این محدودیت‌ها به‌معنای نفی آزادی نیست، بلکه به‌عنوان یک عامل جهت‌دهنده عمل می‌کند تا از هرج‌ومرج و بی‌نظمی اجتماعی جلوگیری شود. «آزادی از قید و اسارت خودش در مقابل آزادی اجتماعی، آزادی معنوی است. آزادی معنوی در زبان دین همان تقوا است» (Motahhari, 1994).

تفاوت‌های گفتمان اسلامی و لیبرالیستی

یکی از ابعاد کلیدی تحلیل انتقادی، مقایسه تفاوت‌های مفهومی و روشی میان گفتمان اسلامی و گفتمان لیبرالیستی در تعریف آزادی است. در گفتمان لیبرالیستی، آزادی به‌عنوان حق مطلق فرد در نظر گرفته می‌شود و تلاش می‌کند تا حد ممکن از قیدوبندهای اجتماعی، فرهنگی و دینی رهایی یابد. این نگاه، استقلال فردی را در اولویت قرار داده و بر این باور است که هرگونه محدودیت بر آزادی، به تضعیف حقوق فردی منجر خواهد شد. به بیان دیگر، گفتمان لیبرالیستی از آزادی تصویری ارائه می‌دهد که در آن فرد بدون

هیچ‌گونه مانع بیرونی، قادر به تصمیم‌گیری و عمل است، حتی اگر این آزادی به ضرر جامعه یا سایر افراد باشد.

در مقابل، گفتمان اسلامی، آزادی را به‌عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به کمال انسانی و تحقق عدالت اجتماعی می‌نگرد. برخلاف نگاه لیبرالیستی که آزادی را به‌عنوان یک هدف مستقل و نهایی تعریف می‌کند، در گفتمان اسلامی، آزادی تنها در چارچوب ارزش‌های الهی و اجتماعی معنا پیدا می‌کند و وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف والای نظیر تقوا، عدالت، و همبستگی اجتماعی است. مطهری در این باره می‌گوید: «اگر بنا باشد حکومت اسلامی زمینه اختناق را به وجود آورد، قطعاً شکست خواهد خورد. البته آزادی به غیر از هرج‌ومرج است. منظور ما، آزادی به معنای معقول آن است» (Motahhari, 1994). این دیدگاه بر این نکته تأکید دارد که آزادی در گفتمان اسلامی نه تنها باید از هرج‌ومرج و بی‌نظمی اجتماعی جلوگیری کند، بلکه باید به گونه‌ای هدایت شود که موجب تقویت ارزش‌های دینی و اخلاقی شود.

همچنین، در گفتمان اسلامی، آزادی از قید نفسانی و اسارت مادی نیز دارای اهمیت ویژه‌ای است. آزادی معنوی که در این گفتمان مطرح می‌شود، انسان را از بند شهوت، حرص، و طمع آزاد کرده و او را به سوی تعالی روحی و معنوی سوق می‌دهد. این رویکرد، برخلاف گفتمان لیبرالیستی، به تعامل میان حقوق فردی و مسئولیت‌های اجتماعی تأکید دارد و این دو را در تقابل با یکدیگر نمی‌بیند، بلکه آن‌ها را به‌عنوان مکمل یکدیگر معرفی می‌کند. به‌طور کلی، گفتمان اسلامی با تأکید بر تعادل میان حقوق فردی و اجتماعی، تلاش می‌کند تا مفهوم آزادی را از یک ابزار برای تأمین خواسته‌های صرفاً فردی به یک ارزش اجتماعی ارتقا دهد. این رویکرد می‌تواند الگویی متعادل و کاربردی برای جوامعی باشد که به دنبال تلفیق ارزش‌های دینی و اجتماعی در سیاست‌گذاری و حاکمیت هستند.

پاسخ به انتقادات درباره تطبیق آزادی اسلامی با حقوق بشر

یکی دیگر از مباحث مهم در تحلیل انتقادی، بررسی این موضوع است که آیا مفهوم آزادی اسلامی با اصول جهانی حقوق بشر قابل تطبیق است یا خیر. مخالفان گفتمان اسلامی بر این باورند که محدودیت‌های مبتنی بر شرع، آزادی‌های مدنی و اجتماعی را به چالش می‌کشند و گاهی به تضییع حقوق بشر منجر می‌شوند. این انتقادات به‌ویژه در مواردی همچون محدودیت بر آزادی بیان و حقوق زنان برجسته می‌شود. آن‌ها معتقدند که چارچوب‌های دینی و شرعی، توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای متنوع و پویای جوامع مدرن را ندارد و آزادی را محدود به ارزش‌ها و تعاریف خاص می‌کند.

در مقابل، مدافعان گفتمان اسلامی استدلال می‌کنند که حقوق بشر نیز مفهومی نسبی است که در بسترهای فرهنگی، تاریخی و دینی متفاوت، تعاریف گوناگونی به خود می‌گیرد. از این منظر، آزادی اسلامی به‌عنوان حقی الهی تعریف می‌شود که باید با ارزش‌های دینی و اخلاقی هم‌سو باشد. این نگاه نه تنها تضاد با حقوق بشر ندارد، بلکه تلاش می‌کند تا مفهومی متوازن‌تر و مسئولانه‌تر از آزادی ارائه دهد. قرآن کریم نیز آزادی را نعمتی الهی می‌داند که شرط بهره‌مندی از آن، رعایت تقوا و حرکت در مسیر الهی است (Tabatabai & Musavi Hamedani, 1998).

یکی از ابعاد برجسته در پاسخ به این انتقادات، تأکید بر مفهوم عدالت در گفتمان اسلامی است. عدالت در اسلام به‌عنوان محوری‌ترین اصل اجتماعی و اخلاقی، تمامی حقوق و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. از این منظر، آزادی نیز به‌عنوان بخشی از حقوق فردی باید در راستای عدالت اجتماعی و خیر عمومی قرار گیرد. بنابراین، آزادی مطلق، که ممکن است به ضرر حقوق دیگران یا تضعیف انسجام اجتماعی منجر شود، با اصول عدالت در اسلام هم‌خوانی ندارد.

همچنین، آزادی در گفتمان اسلامی شامل مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی است که تفاوت اساسی با نگاه لیبرالیستی دارد. در حالی که لیبرالیسم بیشتر بر حقوق فردی تأکید دارد و مسئولیت اجتماعی را به حاشیه می‌راند، گفتمان اسلامی تلاش می‌کند تا تعادلی میان این دو

ایجاد کند. این دیدگاه بر این باور است که هر فرد آزاد است تا انتخاب‌های خود را داشته باشد، اما این آزادی نباید به قیمت آسیب به جامعه یا نقض حقوق دیگران تمام شود.

به‌طور کلی، گفتمان اسلامی، آزادی را نه تنها به‌عنوان حقی برای بهره‌مندی فردی بلکه به‌عنوان ابزاری برای ارتقای همبستگی اجتماعی و تقویت ارزش‌های اخلاقی معرفی می‌کند. این نگرش تلاش دارد تا با تلفیق ارزش‌های دینی و نیازهای اجتماعی، الگویی پایدار و متوازن برای تحقق آزادی در جوامع مدرن ارائه دهد.

تأکید بر عدالت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی

یکی از ویژگی‌های برجسته و متمایز گفتمان اسلامی در تعریف آزادی، تأکید بر عدالت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی است. این گفتمان بر این باور است که آزادی فردی نباید به قیمت تضعیف حقوق دیگران یا به خطر انداختن انسجام اجتماعی تمام شود. در نگاه اسلامی، عدالت نه تنها به‌عنوان یک ارزش اخلاقی بلکه به‌عنوان اصل بنیادین برای تنظیم روابط اجتماعی و حقوق فردی و جمعی شناخته می‌شود. این دیدگاه، برخلاف نگاه لیبرالیستی که بر اولویت حقوق فردی تأکید دارد، به تعامل میان حقوق فردی و اجتماعی اهمیت ویژه‌ای می‌دهد و تلاش می‌کند تا میان این دو تعادل برقرار کند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که بر پایه اصول اسلامی تدوین شده است، تجلی روشنی از این رویکرد است. برای مثال، اصل بیست‌وسوم قانون اساسی تأکید می‌کند: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد». این اصل نشان‌دهنده توجه به حقوق فردی در چارچوب ارزش‌های دینی است. همچنین، اصل بیست‌وچهارم بیان می‌کند: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند». این بند به‌وضوح نشان می‌دهد که آزادی بیان به‌عنوان یکی از حقوق اساسی، با رعایت اصول و ارزش‌های اسلامی مشروعیت پیدا می‌کند.

در این گفتمان، مسئولیت‌پذیری اجتماعی نیز به‌عنوان بخشی از آزادی شناخته می‌شود. یعنی آزادی فردی باید در چارچوبی اعمال

باشد. این گفتمان، برخلاف دیدگاه‌های لیبرالیستی، آزادی را نه به عنوان هدف نهایی بلکه به عنوان وسیله‌ای برای تحقق اهداف والاتر همچون تقوا، عدالت، و همبستگی اجتماعی تعریف می‌کند. با این حال، برای پاسخ‌گویی به چالش‌های معاصر و تطبیق با نیازهای جامعه جهانی، نیازمند تطبیق و بازنگری در برخی از اصول خود است.

نتیجه‌گیری

آزادی، به عنوان یکی از اصول بنیادین و پرچالش در گفتمان‌های دینی، سیاسی و اجتماعی، در انقلاب اسلامی ایران معنایی خاص و بومی یافته است. این مفهوم، برخلاف رویکردهای فردگرایانه لیبرالیستی، نه تنها در چارچوب حقوق فردی، بلکه با تأکید بر مسئولیت اجتماعی، عدالت و معنویت تعریف شده است. انقلاب اسلامی، با تأکید بر ارزش‌های دینی و اخلاقی، توانست مفهوم آزادی را از زمینه‌های صرفاً سیاسی و اجتماعی فراتر برده و آن را در راستای تحقق هویت دینی و تعالی انسانی هدایت کند.

تحقیقات انجام‌شده در این مقاله نشان داد که گفتمان انقلاب اسلامی، آزادی را به عنوان وسیله‌ای برای رشد معنوی، تقویت عدالت اجتماعی و تحقق خیر عمومی معرفی می‌کند. برخلاف انتقاداتی که محدودیت‌های شرعی را مغایر با حقوق بشر می‌دانند، آزادی اسلامی به عنوان یک مفهوم متوازن توانسته است تعادلی میان حقوق فردی و جمعی ایجاد کند. این توازن، به‌ویژه در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از جمله اصل بیست‌وسوم و بیست‌وچهارم، به‌خوبی نمایان است که هم آزادی بیان و اندیشه را به رسمیت می‌شناسد و هم آن را مشروط به رعایت مبانی اسلامی می‌کند.

مقایسه آزادی اسلامی و لیبرالیستی نشان داد که آزادی اسلامی، برخلاف آزادی مطلق لیبرالیستی که گاه به بی‌عدالتی و هرج‌ومرج منجر می‌شود، در چارچوب قوانین الهی تعریف می‌شود. این چارچوب، نه تنها از انحرافات اخلاقی جلوگیری می‌کند، بلکه بستری برای رشد معنوی و پایداری اجتماعی فراهم می‌آورد. به اعتقاد مطهری، آزادی واقعی زمانی محقق می‌شود که انسان از قیود نفسانی

شود که نه تنها به تحقق حقوق دیگران کمک کند بلکه باعث تقویت همبستگی اجتماعی شود. برخلاف نگرش لیبرالیستی که معمولاً بر جدایی حقوق فردی از مسئولیت‌های اجتماعی تأکید دارد، گفتمان اسلامی این دو مفهوم را به عنوان اجزای مکمل یکدیگر معرفی می‌کند. آزادی در این نگاه، به معنای رهایی از قیود بیرونی نیست، بلکه به معنای حرکت در چارچوب ارزش‌ها و مسئولیت‌هایی است که به نفع جامعه و عدالت اجتماعی تعریف شده است.

این رویکرد نشان می‌دهد که گفتمان اسلامی با تلفیق آزادی، عدالت، و مسئولیت اجتماعی تلاش می‌کند تا الگوی متوازی از حقوق و تعهدات ارائه دهد که در آن، نه آزادی فردی قربانی انسجام اجتماعی می‌شود و نه مسئولیت‌های اجتماعی مانعی برای تحقق حقوق فردی خواهند بود. بنابراین، این نگرش با تأکید بر عدالت، آزادی را به ابزاری برای تقویت همبستگی اجتماعی و تحقق ارزش‌های انسانی تبدیل می‌کند.

پرسش‌های اساسی و چالش‌های پیش‌رو

تحلیل انتقادی گفتمان آزادی اسلامی، پرسش‌های مهمی را درباره‌ی تطبیق این گفتمان با نیازهای جامعه معاصر مطرح می‌کند. برای مثال، آیا محدودیت‌های شرعی بر آزادی، توانایی پاسخ‌گویی به چالش‌های جهانی مانند دیجیتالی شدن و تنوع فرهنگی را دارد؟ و چگونه می‌توان از اصول اسلامی در عین حفظ پویایی و انعطاف‌پذیری در مواجهه با تحولات اجتماعی استفاده کرد؟

پاسخ به این پرسش‌ها نیازمند بازنگری و تطبیق اصول اسلامی با مقتضیات زمان است. به نظر می‌رسد که گفتمان اسلامی، با تأکید بر عدالت، معنویت، و خیر عمومی، ظرفیت بالایی برای پاسخ‌گویی به چالش‌های معاصر دارد. اما این ظرفیت تنها زمانی محقق خواهد شد که بتواند با حفظ اصول بنیادین خود، انعطاف لازم را در برابر تغییرات اجتماعی و فرهنگی از خود نشان دهد.

تحلیل انتقادی گفتمان آزادی اسلامی نشان می‌دهد که این گفتمان، با وجود انتقاداتی که به آن وارد است، تلاش دارد الگویی متوازن از آزادی ارائه دهد که هم‌زمان به حقوق فردی و اجتماعی توجه داشته

و انحرافات آزاد شود و اختیار خود را در مسیر تحقق عبودیت قرار دهد.

دستاوردهای این پژوهش نشان می‌دهد که گفتمان انقلاب اسلامی توانسته است الگویی منحصر به فرد از آزادی ارائه دهد که ضمن احترام به حقوق فردی، بر مسئولیت‌های اجتماعی و اخلاقی نیز تأکید دارد. با این حال، برخی چالش‌ها نظیر سوء برداشت از محدودیت‌های شرعی یا تفاسیر ناقص از اصول اسلامی می‌تواند به سوء استفاده‌هایی در تبیین و اجرای مفهوم آزادی اسلامی منجر شود. این موارد نیازمند تبیین دقیق‌تر و شفاف‌سازی مفاهیم در عرصه‌های فرهنگی و حقوقی است.

در نهایت، این پژوهش نشان داد که انقلاب اسلامی ایران، با ارائه تفسیری نوین از آزادی، توانسته است الگویی برای جوامع اسلامی Republic of Iran. This framework investigates the extent to which the redefined concept of freedom aligns with Islamic law and moral values, addressing the inherent tensions between traditional interpretations of individual autonomy and communal responsibilities. Unlike the Western liberalist model that prioritizes individual independence, Islamic freedom emphasizes justice, spirituality, and collective welfare. For instance, Imam Khomeini stressed that freedom must serve the purpose of societal stability and moral rectitude, asserting that unbounded liberty risks degenerating into chaos and anarchy (Khomeini, 1999). The revolutionary discourse seeks to harmonize personal liberties with collective ethics, fostering a balanced social structure.

Central to the revolutionary perspective is the assertion that true freedom is achievable only within the framework of divine laws. In this context, the Constitution of the Islamic Republic explicitly incorporates mechanisms that preserve this equilibrium. For example, Article 23 guarantees freedom of thought and belief but explicitly prohibits any infringement on Islamic values, reflecting a deliberate effort to safeguard both individual rights and religious ethics. Similarly, Article 24 ensures freedom of the press

ارائه دهد که ضمن حفظ ارزش‌های دینی و اخلاقی، به مسائل مدرن پاسخ دهد. پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آینده، تأثیرات عملی این گفتمان در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و حقوقی بررسی شود و نقش آن در تقویت عدالت اجتماعی و همبستگی ملی مورد ارزیابی قرار گیرد. همچنین، پژوهش در زمینه انطباق این مفهوم با چالش‌های عصر دیجیتال و حقوق بشر جهانی می‌تواند به ارائه راهکارهای کاربردی برای حل مسائل معاصر کمک کند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The Islamic Revolution of Iran, a pivotal event of the 20th century, initiated profound transformations across various domains, including social, political, and philosophical constructs. A critical concept that underwent significant reinterpretation in this era is freedom. Traditionally influenced by Western liberal discourses, freedom was perceived through the lens of individual autonomy, unrestrained by external constraints. However, the Islamic Revolution challenged this paradigm by presenting an alternative rooted in Islamic principles. According to Motahhari, freedom in the Islamic context transcends the notion of liberation from physical or societal restrictions and embodies a higher spiritual dimension—freedom from internal constraints such as desires and ego, paving the path to divine servitude (Motahhari, 1994). This redefinition encapsulates an integrative model that aligns individual liberties with moral responsibilities, thereby countering the materialistic inclinations of modern liberalism.

The methodological framework of this study utilizes a descriptive-analytical approach, drawing from Islamic texts, declarations by revolutionary leaders, and constitutional principles of the Islamic

while imposing constraints to prevent conflict with public morality or Islamic principles. This juxtaposition demonstrates a nuanced understanding of liberty as a dual-faceted construct—preserving individual rights while fostering societal coherence (Motahhari, 1994). The revolutionary paradigm, therefore, prioritizes a model of freedom deeply intertwined with communal harmony and religious accountability. The study further explores the philosophical underpinnings of freedom within Islamic thought, contrasting it with the Western liberalist tradition. In the latter, freedom is often reduced to the absence of external constraints, a notion frequently criticized for neglecting its social and ethical implications. Conversely, Islamic philosophy posits freedom as an inherently moral pursuit, where individual autonomy is inextricably linked to spiritual growth and social justice. Tabatabai (1998) emphasized that freedom in Islam extends beyond materialistic definitions, anchoring itself in a framework of divine guidance and ethical accountability. This perspective challenges the Western dichotomy of individual versus community, advocating for a harmonious coexistence of the two, where personal liberties serve collective well-being (Tabatabai & Musavi Hamedani, 1998).

A critical analysis of the Revolution's redefinition of freedom reveals its potential as a model for addressing contemporary global challenges, such as social inequality and cultural erosion. By integrating justice, spirituality, and individual rights, this model offers a comprehensive approach to fostering sustainable social systems. However, it also invites scrutiny regarding its compatibility with universal human rights norms. Critics argue that constraints imposed by Islamic laws might conflict with the liberalist emphasis on absolute individual autonomy. Yet, proponents assert that such limitations are necessary for safeguarding communal integrity and moral values, reinforcing the Islamic vision of balanced freedom (Motahhari, 1994). This balance, they argue, is

pivotal for preserving societal stability in an increasingly pluralistic world.

In conclusion, this study underscores the transformative potential of the Islamic Revolution's discourse on freedom as a comprehensive, ethically grounded alternative to prevailing liberalist paradigms. By embedding individual liberties within the framework of spiritual and moral responsibilities, this discourse challenges reductionist interpretations of freedom and offers a holistic model that prioritizes justice, solidarity, and collective well-being. The findings suggest that while the revolutionary concept of freedom has successfully addressed some limitations of liberalist thought, its practical implications and global adaptability warrant further exploration. Future research could focus on comparative analyses of Islamic and Western models, evaluating their efficacy in addressing the socio-political complexities of modern societies.

References

- Khomeini, R. (1999). *Tahrir al-Wasilah*. Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Motahhari, M. (1994). *Concerning the Islamic Republic*. Sadra Publications.
- Sadr al-Din Shirazi, M., & Khajavi, M. (1989). *Al-Hikmat al-Muta'aliyah fi al-Asfar al-Arba'ah*. Hekmat Publications.
- Tabatabai, S. M. H., & Musavi Hamedani, S. M. B. (1998). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*. Islamic Publications.